

یادداشت

گردورها و الزامات سیاست خارجی



محمد مهدی مظاهری

استاد دانشگاه

ایده توسعه مسیرهای حمل و نقل به منظور رونق بخشیدن به تجارت خلیج فارس و کمربند و بی اثر کردن تنگه استراتژیک هرمز از سال‌ها قبل در بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس شکل گرفته بود. برای تحقق این ایده، کریدور حمل و نقل ریلی در حاشیه خلیج فارس از سال ۲۰۱۶ و در قالب راه‌اندازی شبکه ریلی شورای همکاری خلیج فارس (GCC) کلید خورد. بر اساس قرارداد منعقد شده میان کشورهای عضو شورا، قرار بود این کشورها هر کدام به صورت مستقل شبکه ریلی خود را ساخته و تکمیل کنند. نهایتاً، پس از تکمیل تمامی خطوط ملی، شبکه شورای همکاری خلیج فارس با اتصال شبکه ریلی ملی این کشورها، راه‌اندازی شود. بدین ترتیب، یک شبکه ریلی عربی شکل می‌گرفت که تمام ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس را از طریق یک خط راه‌آهن به طول ۲۱۷۷ کیلومتر، به یکدیگر متصل می‌کرد. طراحی چنین برنامه‌ای برای ساخت و توسعه زیرساخت‌های لجستیکی، یکی از هدفمندترین و مهم‌ترین اقدامات کشورهای عربی برای حرکت به سمت توسعه پایدار در منطقه، ضمن دور زدن تنگه هرمز و در نتیجه کم‌اثر کردن نقش جمهوری اسلامی ایران در آب‌های خلیج فارس در خصوص مساله صادرات نفتی این کشورها به اروپا بود. با این وجود تمامی تلاش کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نتوانستند این پروژه بلندپروازانه را طبق برنامه پیش ببرند. شیوع پاندمی کرونا، وابستگی اقتصاد کشورهای منطقه به نفت و کاهش قیمت این منبع انرژی، عدم وجود هماهنگی و همگرایی سیاسی کافی میان کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و عدم دستیابی به یک رژیم حقوقی واحد که لازمه راه‌اندازی هر کریدور بین‌المللی است، از جمله دلایلی بود که سبب شد کریدور ریلی خلیج فارس طبق برنامه پیش نرود و به مرحله افتتاح نرسد. البته وضعیت همه کشورهای این شورا یکسان نیست، امارات متحده عربی و عربستان دو کشور موفق در این پروژه بودند که توانستند در این مدت چارچوبی نظام‌مند برای حمل و نقل ریلی خود تدوین کرده و به موفقیت‌های چشمگیری برسند. بر این اساس آمادگی لجستیکی این دو کشور عربی حوزه خلیج فارس از یکسو و عضویت یکی و تمایل دیگری به پیمان ابراهیم سبب شد تا آمریکا و رژیم اسرائیل طرح جهت‌دار خود برای شکل دادن به یک کریدور جدید در راستای محدود و منزوی کردن همزمان جمهوری اسلامی ایران و چین را کلید بزنند. ایده اتصال منطقه از طریق راه‌آهن در سال ۲۰۲۱، در مجمع U2U2 (مجمعی متشکل از ایالات متحده، اسرائیل، امارات و هند که در اواخر سال ۲۰۲۱ تأسیس شد) از سوی رژیم اسرائیل مطرح گردید و پس از آن توسط دولت بایدن مورد حمایت قرار گرفت. تا اینکه در نشست گروه بیست (G20) که در اوایل سپتامبر ۲۰۲۳ بر گزار گردید، هند، عربستان سعودی، امارات و اسرائیل با حمایت آمریکا از کریدور دریایی-ریلی شرق به غرب که ترانزیت تجاری میان کشورهای اروپایی، اسرائیل، اردن، اعراب خلیج‌فارس و هند را برقرار خواهد کرد، رونمایی کردند. پروژه‌های عظیم به منظور ترانزیت کالا که از هند شروع می‌شود، از امارات و عربستان عبور می‌کند و در نهایت با اتصال به اردن و رژیم اسرائیل به کشورهای اروپایی می‌رسد. هدف ظاهری و عملیاتی این کریدور این است که آسیای جنوبی را به خاورمیانه متصل کند و سبب توسعه تجارت و اقتصاد بین‌المللی می‌شود. با این وجود، این پروژه اهداف سیاسی مختلفی را نیز دنبال می‌کند؛ این کریدور یکی از ابتکارات ایالات متحده آمریکا برای حفظ نفوذ خود در منطقه خاورمیانه و البته به‌طور هم‌زمان جلوگیری از افزایش نفوذ چین در این منطقه است؛ در واقع از آنجا که منطقه غرب آسیا بخش کلیدی کریدور «یک کمربند، یک جاده» چین است، دولت آمریکا به‌ویژه در دوران ریاست جمهوری بایدن می‌کوشد با پیشنهاد این کریدور جدید، از ارزش راه‌آهنی طرح‌های چین بکاهد. هدف مهم دیگر این کریدور حذف جمهوری اسلامی ایران از یک مسیر ترانزیتی کلیدی و کاهش وابستگی حمل و نقل جهانی به تنگه استراتژیک هرمز است. این امر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و البته رژیم اسرائیل را به شاهراه امن و مرکز نقل تجارت بین‌المللی تبدیل می‌کند. بر این اساس به نظر می‌رسد کریدور جدید لطمه‌ای جدی به منافع جمهوری اسلامی ایران است و از این رو ضروری است که مقامات کشورمان برای مقابله با اثرات سوء ناشی از شکل‌گیری این کریدور اقداماتی انجام دهد. بر این اساس به نظر می‌رسد هر چند شکل‌گیری توافق جدید کشورهای عضو گروه ۲۰ بر سر شکل دادن به کریدور ترانزیتی جدید فضای ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک را تا حدی برای ایران تنگ کرده است، اما درهای دیپلماتی همیشه باز است و امکان ریزینی و بده و بستان برای کشورها وجود دارد. نکته اینجاست که نباید نسبت به این تحولات بی‌تفاوت بود و اجازه داد طرح‌های ضد ایرانی بدون هزینه برای کشورهای طرح و همکار آنها، اجرایی و عملیاتی شود. لازم است ریزینی با کشورهای عضو این توافق به صورت جداگانه و به تناسب سیاست‌ها و اهداف هر یک از آنها با فوریت آغاز و هزینه‌هایی که لطمه احتمالی آنها به منافع ایران برایشان ایجاد خواهد کرد، به آنها گوشزد شود.

خبر

پیر محمد ملازهی:

شاید قره‌باغ به صورت خودمختاری اداره شود

یک تحلیلگر مسائل سیاسی درباره بحران قره‌باغ اظهار کرد: بازیگران زیادی در حوزه منطقه و جهان در مناقشه ارمنستان و آذربایجان دست دارند، اما در این بین ترکیه از همه تعیین‌کننده‌تر است. ترکیه می‌خواهد از راه زمینی به آذربایجان متصل شود و از آن طریق به آسیای مرکزی برسد تا اردوغان نگاه بان ترکیستی‌اش را گسترش دهد و به نوعی بر همه ترک‌های منطقه نفوذ خودش را داشته باشد. از این سو ایران نمی‌خواهد راه ارتباطی‌اش به اروپا که اکنون از طریق ارمنستان است، قطع شود زیرا اگر قره‌باغ در اختیار آذربایجان قرار بگیرد، عملاً ارتباط زمینی ایران با اروپا هم قطع می‌شود. کشورها و رژیم‌هایی که با ایران مشکل دارند از جمله رژیم خب طبیعی است که ایران با این موضوع مخالف باشد. پیر محمد ملازهی گفت: این موضوع انگار شدنی نیست که قره‌باغ از نظر قومی در اختیار ارمنستان است و از نظر سرزمینی بخشی از خاک آذربایجان. در واقع اغلب جمعیت قره‌باغ را ارمنی‌ها تشکیل می‌دهند اما آذربایجان هم ادعای مالکیت تاریخی بر این سرزمین دارد. در این شرایط بعضاً سوی سازمان ملل فراترودم بر گزار می‌شود اما به نظر می‌رسد شرایط به سمت برگزاری فراترودم نمی‌رود و شاید شرایطی پیش آید که این سرزمین به صورت خودمختاری و در چارچوب سرزمینی آذربایجان اداره شود؛ شرایطی تقریباً آنچه درباره اقلیم کردستان عراق رخ داد.

آمان... قرایی مقدم در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

کاهش امید به آینده باعث مهاجرت نخبگان شده است

آب و هوای اجتماعی خوب نیست

برخی نمک دانشگاه را خورده‌اما

نمکدان می‌شکنند

مگر خمر نگرزی است که بتوان از آن

نیروی متخصص بیرون آورد

دوشنبه
۱۴۰۲.۰۶.۲۷

سال پنجم

شماره ۱۶۴۷

armanmeli.ir

۲۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ / ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۳



آرمان ملی - احسان انصاری: «کار دانشگاه به جایی رسیده که برخی به تجربه ندارند به جای این استادان عالی‌مقام که سال‌ها تجربه، تخصص و کارایی دارند و برای رسیدن به مقام استادی سال‌ها دود چراغ خورده مطالعه، تحقیق و تتبع کرده‌اند، می‌نشینند. ممنوع‌التدریس و برکناری برخی استادان برجسته دانشگاه‌ها، بی‌احترامی به ساحت مقدس دانشگاه، استادان دانشگاهی، دانشجویان، نخبگان جامعه و همه تحصیلکرده‌های دانشگاهی و حتی همان کسانی است که پایه چنین پدیده را برپا کرده‌اند و نمک خورده و نمکدان را می‌شکنند.» جملات ذکر شده اظهارات دکتر آمان ا... مقدم، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «آرمان ملی» درباره وضعیت فعلی نهاد دانشگاه با توجه به اتفاقات اخیر است. قرایی مقدم در این گفت‌وگو به مهم‌ترین چالش‌های فعلی دانشگاه و مهاجرت نخبگان اشاره کرده که در ادامه می‌خوانید.

هزینه دارد. اقشار عادی جامعه به سایر کشورهای جهان سوم نظیر ترکیه، یونان و ارمنستان مهاجرت می‌کنند، اما مبنای جذب مهاجر در کشورهای توسعه‌یافته، نخه بودن است که منجر به گسترش مهاجرت مغزها می‌شود. این کشورها نیروی کار نیز لازم دارند، اما جذب نیروی پیشرفت‌کننده مانند آمریکا، جذب نیروی متخصص جوان از سراسر جهان است. چنین کشورهایی هنگامی که با درخواست تقاضای مهاجرت افراد روبه‌رو می‌شوند، تخصص و کار بردی بودن آن‌ها را مدنظر قرار می‌دهند و اگر دارای کاربرد یا تخصص لازم نباشند، به آنها مجوز ورود نمی‌دهند. کشورهای توسعه‌یافته، نخبگان و متخصصان را جذب می‌کنند؛ چراکه بدون هزینه کردن یک ریال، نیروی انسانی آماده‌ای را به دست می‌آورند. مهاجرت نخبگان بسته به حال و هوای جامعه دارد و تأمین‌نشده مایحتاج عامل مهاجرت نخبگان نیست. نخه جوان نمی‌تواند محرومیت از امکانات و ناآرامی‌ها را تحمل کند. این موارد موجب می‌شود مهاجرت نخه انجام شود. زمانی که یک نخه احساس مثبتی به آینده ندارد از کشور خارج می‌شود تا این بهتر از آن است که برای خود ایجاد کند. اقتصاد بر مهاجرت نخبگان اثرگذار است وقتی که جوان می‌بیند که نمی‌تواند آینده‌ای برای خود به علت فشارهای اقتصادی فراهم کند، تصمیم به مهاجرت می‌گیرد.

خلانخبگان قرار است چگونه در جامعه پر شود و چه پیامدهایی دارد؟

جایگزین کردن این نیروهای انسانی سال‌ها زمان خواهد برد و هزینه‌های زیادی به‌همراه خواهد داشت. مگر «خم رنگریزی» است که بتوان یکبار یک نیروی متخصص و توانمند از آن بیرون بیاید. تردید نکنید که هر نیروی تخصصی که از کشور خارج می‌شود ثروت و رشد و توسعه کشور در زمینه‌های مختلف دچار افت می‌شود.

هنگامی که یک پزشک، مهندس یا روزنامه‌نگار از کشور مهاجرت می‌کند نیروی راهبردی توسعه از کشور خارج شده است. نباید این موضوع را به صورت ساده نگاه کرد، چرا کشورهای جهان سوم در عین حالی که از منابع طبیعی کافی برخوردار هستند، اما توسعه پیدا نمی‌کنند؛ بدون تردید یکی از دلایل اصلی آن نداشتن نیروی متخصص و کارآمد است. این در حالی است که ما به راحتی نیروی متخصص و کارآمد تربیت می‌کنیم، اما آنها را در اختیار کشورهای دیگر قرار می‌دهیم. جوزف شومپتر دوازده اصل اقتصادی دارد که در اصل هشتم و یازدهم عنوان می‌کند هر زمان آب و هوای اجتماعی مساعد نباشد رشد و توسعه کاهش پیدا می‌کند. امروز آب و هوای اجتماعی در ایران مساعد نیست. جامعه امروز با کاهش سرمایه اجتماعی مواجه است.

نیروی متخصص جامعه چشم‌انداز چندان روشنی برای خود مشاهده نمی‌کند. جوانی که امروز از دانشگاه صنعتی شیخ و یافت تهران فارغ‌التحصیل می‌شود چه آینده‌ای می‌تواند برای خود متصور شود در حالی که نه شغلی دارد و نه آینده چندان روشنی برای کاهش مشکلات اقتصادی برای خود متصور نیست. ما باید محیط را مساعد کنیم، محیط را شاد کنیم. محیط را با امید بسازیم و به جوانان امید بدهیم. آینه خوبی را به وجود بیاوریم. سرمایه انسانی کشور با هیچ چیز قابل مقایسه نیست و ما به راحتی در حال از دست دادن آن هستیم. در شرایط کنونی سن مهاجرت به دانش‌آموزان رسیده است. اگر مسئولان متخصص‌تر و اقتصاددانان بودند اینگونه نمی‌شد که ثانیه به ثانیه همه چیز گران شود. تورم و گرانی روزانه بالا می‌رود و ما نیروی انسانی کشور را به دلیل این شرایط از دست می‌دهیم. در حالی که کشور امروز به سرمایه‌های خود و به نیروی انسانی خود نیاز دارد.

بخش‌های مختلف کشور امروز نیاز به نیروی متخصص و توانمند دارد. اگر این نیروها از بین برود منابع طبیعی و خدادادی نیز از بین می‌رود و ما نمی‌توانیم به درستی از آنها استفاده کنیم.

علت افزایش روند مهاجرت، مواردی نظیر فضای اجتماعی یک جامعه، نبود احساس راحتی، اشتغال و بیکاری و نداشتن چشم‌انداز مطلوب برای آینده است. تبلیغات گسترده و نشان دادن فضاهای زیبا از طریق رسانه‌های بیگانه و کشورهای جذب‌کننده مهاجر نیز در افزایش روند مهاجرت تأثیرگذار است و متعاقب آن، سرمایه انسانی متخصص از کشور خارج می‌شود. فرار مغزها و جذب نیروهای متخصص از کشورهای جهان سوم جزو برنامه‌های مهم کشورهای توسعه‌یافته است

همواره مورد توجه و احترام بوده است. اهورا مزدا در وندیداد می‌فرماید: از زرتشت مقدس کسی را معلم بخوان که روز و شب مطالعه کند، از خردمندان درس بیاموزد تا از تشویب خاطر فارغ گردد.

همواره مورد توجه و احترام بوده است. اهورا مزدا در وندیداد می‌فرماید: از زرتشت مقدس کسی را معلم بخوان که روز و شب مطالعه کند، از خردمندان درس بیاموزد تا از تشویب خاطر فارغ گردد.

چرا نهاد دانشگاه در شرایط کنونی با این چالش‌ها مواجه شده است؟

این دردی است که با هیچ درمانی التیام نمی‌پذیرد و جای آنها هرگز بر نخواهد شد و زبان جبران ناپذیری بر پرورش نیروهای انسانی ماهر و متخصص که به قول آلفرد مارشال برنده جایزه نوبل در اقتصاد ارزش یک نابغه به تنهایی هزینه صد ساله آموزش و پرورش شهری را در طول صد سال جبران می‌کند.

زیرا اینها، استادانی هستند که سال‌ها تجربه کسب کرده، صیقل خورده و به گوهر گرانبها تبدیل شده‌اند و سال‌های سال طول می‌کشد تا دوباره پرورش یابند. به قول حکیم سنایی: سال‌ها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب / لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن. جالب اینکه برخی از کسانی که به ممنوع‌التدریس کردن و برکناری استادان برجسته بعد از انقلاب، اقدام کردند اکنون در خدمت بیگانگان هستند و ساز مخالفت با نظام جمهوری اسلامی سر می‌دهند اینها و مانند اینها همان کسانی هستند که به قول ابن خلدون تونس در کتاب «العبرودیان المبتدا والخبر فی...»

ظاهری خوب و باطنی آکنده از پلیدی دارند و همواره در طول تاریخ وجود داشته‌اند. اینها همان کسانی هستند که بزرگمهر و منصور حلاج را بر دار زدند و خون امیرکبیر را در حمام فین کاشان بر زمین ریختند. ایرانی‌ها از همان زمان یعنی سه هزار سال پیش از میلاد که در سائیس مصر بورسیه، اربوبی، آذربادگان، ری و بلخ اولین مراکز علمی را بنیان گذاشتند و از همان زمان یعنی سه هزار سال پیش از میلاد که سوکالوا و پاته‌سی‌ها اولین نظام اداری و مدیریتی را در بین‌النهرین جنوبی به‌وجود آوردند و اولین مدارس را در آنشده‌ها بنیان گذاشتند و به تعلیم تربیت فرزندان این کشور پرداختند، مقام معلم و استاد بسی ارجمند و جزء چهار طبقه اشراف محسوب می‌شد.

نظامی می‌فرماید: چنین بود رسم اندران روزگار / که باشد در آتشگه آموزگار / بعد از اسلام نیز مساجد، ریاط، زاویه و خانقاه از مراکز تعلیم و تربیت بودند و مقام معلم و استاد همان طور که گزنفون در کتاب تربیت کورش می‌نویسد

نگره

۴ کشور بزرگ منطقه اعتمادشان را به واشنگتن از دست داده‌اند

پایان خاورمیانه آمریکا!

در طول سالیان متمدنی ایالات متحده به تنهایی یا با متحدان مذکور به پیروزی‌های در منطقه دست یافت. با این وجود، دستیابی به این روابط را به وجود آورد دستخوش تغییراتی شده که نیازمند ارزیابی جدی است. دیگر تهدید شوری برای منطقه خلیج فارس وجود ندارد و ایالات متحده به بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت در جهان تبدیل شده است. در همین حال، آخرین مذاکرات صلح بین فلسطینیان و اسرائیلی‌ها با حمایت ایالات متحده تقریباً یک دهه پیش به شکست انجامید و راه‌حل دو کشوری مدتهاست که مرده محسوب می‌شود. رهبران عربستان سعودی، اسرائیل، ترکیه و مصر مسیرهای خود را ترسیم کرده‌اند و آشکارا منافع اصلی واشنگتن را نادیده می‌گیرند. آنان به این نتیجه رسیده‌اند که روابط نزدیک تر سیاسی، اقتصادی و نظامی با روسیه، چین و هند و پاروایب با یکدیگر به‌طور آشکار یا مخفیانه جایگزین‌های مناسب‌تری برای پشتیبانی‌ای است که ایالات متحده از آنان به عمل می‌آورد. به بیان صریح‌تر چهار ستون سنتی آمریکا در خاورمیانه معتقدند موقعیت آمریکا شکننده‌تر از آن است که بتوان مانند قبل به آن کشور تکیه کرد. اخیراً در مورد چگونگی مشارکت ترک‌ها، اسرائیلی‌ها و اعراب در گفت‌وگو با یکدیگر و بررسی راه‌های به‌منظور احیای دیپلماسی، همکاری و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای مطالب زیادی نوشته شده‌اند. برخی از تحلیلگران تا آنجا پیش رفتند که طلوع عصر جدیدی در خاورمیانه را اعلام کردند. با این وجود، باید به شکلی محتاطانه از تنش‌زدایی اخیر استقبال کرد. مردانی که امروز فضیلت آشتی را در کرد کرده‌اند همان کسانی بودند که یمن را ویران کردند، قطر را محاصره کردند، در سوریه و لیبی غوغا به پا کردند. در واقع، عربستان سعودی، اسرائیل، ترکیه و مصر همگی به دنبال اشکال مختلف ناسیونالیسم تهاجمی بوده‌اند.

اسرائیل مرتباً سخنان تحریک‌آمیز مطرح کرده و خواستار پاکسازی قومی فلسطینیان از کرانه اشغالی هستند. در عربستان سعودی محمد بن سلمان ولیعهد آن کشور در تلاش برای کاستن از نفوذ نهاد مذهب و ایجاد هویت ملی سعودی حول شخصیت اقتدارگرای خود است تا فرهنگ تازه‌ای از ملی‌گرایی را پرورش دهد. رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهوری ترکیه نسخه‌ای از ناسیونالیسم تهاجمی ترکی مملو از بو و رنگ مذهبی و آمیخته با احیای قدرت خلافت عثمانی را در سخنرانی‌های مکرر انتقادی خود علیه غرب مطرح کرده است. در مصر زمامداری بیش از یک دهه‌ای عبدالفتاح السیسی رئیس‌جمهور آن کشور مستبدانه‌ترین شیوه زمامداری در تاریخ معاصر مصر بوده است. علاوه بر آن، این کشورها عادتاً همکاری با ایالات متحده را در مورد اولویت‌های منطقه‌ای آن کشور متوقف کرده‌اند. سیسی در اوایل سال جاری قصد داشت موشک و گلوله‌های توپخانه‌ای را در اختیار روسیه قرار دهد تا پوتین از آن تسلیحات علیه اوکراین استفاده کند طرحی که توسط سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا خنثی شد. اردوغان با پیوستن سوئد به ناتو مخالفت کرده بود و به نمایش قدرت در برابر بایدن و دیگر قدرتهای ناتو پرداخت. همچنین، پیش‌تر اردوغان سامانه دفاع موشکی اس-۴۰۰ را از روسیه خریداری کرده بود. همچنین، عوامل تاریخی که زمانی روابط با آمریکا را مستحکم‌تر می‌ساخت از بین رفته‌اند. شوری که تهدیدی برای کشورهای منطقه بود دیگر وجود ندارد. از قضا پوتین رئیس‌جمهور روسیه امروز روابط شخصی گرم‌تری با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، محمد بن سلمان و اردوغان دارد گرمی روابطی که در رابطه بایدن با آن رهبران مشاهده نمی‌شود.

نقش نفت

نفت نیز به طرز چشمگیری تغییر کرده است: نفت که عامل تأثیرگذار در رابطه آمریکا با عربستان سعودی از دوره جنگ جهانی دوم به این سو بود اکنون نقش گذشته را ندارد. ایالات متحده دیگر تنها قدرت خارجی باسهم اقتصادی در منطقه خلیج فارس نیست. قدرت‌های آسیایی مانند چین، هند و سایر کشورهای منطقه به‌پسینده اقتصادی و تجاری با کشورهای حوزه خلیج فارس فرار کرده‌اند و طبیعی به نظر می‌رسد که فعالیت اقتصادی سطح بالاتر آسیایی و وجهه سیاسی و نظامی بالاتری را به همراه داشته باشد. با در نظر گرفتن چنین بستری ایهام موجود در برخی از مجامع رسمی در واشنگتن و در میان مفسران آمریکایی درباره نقش محدود چین در برقراری مجدد روابط دیپلماتیک بین عربستان سعودی و ایران افرای امید و غیرقابل‌توجهی است. بخش عمده کارهای دشوار اولیه پیش از آن در جریان گفت‌وگوهای آرام در بغداد و عمان صورت گرفت تا آنکه رهبری عربستان سعودی چین را برای کارگردانی آخرین سکانس وارد صحنه کرد و اعتبار کل روند را به یکن بخشید. دولت بایدن همان طور که انتظار می‌رفت از خود واکنشی نشان داد که دست کم تا حدودی توضیح‌دهنده تقلا نامناسب فعلی آن برای عادی شدن رابطه میان عربستان سعودی و اسرائیل است. در این میان، ریاض قصد ندارد رویکرد طولانی مدت همسویی خود با غرب را متوقف سازد. فناوری و تخصصی آمریکایی هم چنان برای بخش انرژی عربستان که منبع اصلی درآمد پادشاهی سعودی است ضروری خواهد بود.